



The Position and Function of Different in Recitations (Qira'at) in the Interpretation of "Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah (The Explanation of Happiness Concerning the Positions of Worship)" *

Mina Shamikhi ^۱

Qasem Bostani ^۲

Zahra Qasimnejad ^۳

Amina Omid ^۴

Abstract

The interpretation of "Bian al-Sa'adah" is one of the most important and complete Shia mystical interpretations, which can be discussed in terms of theological, jurisprudential and social issues despite the mystical approach. The question is, how have mystical interpretations such as the expression of happiness dealt with the science of readings? In other words, the significant issue is whether the science of readings can be related to the mystical approach of the commentator. The current research has evaluated the position and function of the issue of readings in the interpretation of the expression of happiness with the descriptive-analytical method. The results of the research indicate: that the position of recitations in Gonabadi's viewpoint has a significant place compared to his contemporary commentators, in such a way that he has shown special attention to the discussion of recitations and his intellectual origin is the origin of a method with a non-hadith approach. In the discussion of recitations, Gonabadi sometimes prefers famous and sometimes non-famous recitations in terms of their compatibility with the context of the verses, narrative preferences, and semantic explanation; sometimes he paid attention to both readings and left the judgment between them. The function of readings in the interpretation of this work can be presented around three subjects: a) expansion and development in the meaning of the verse; b) explaining the meaning of the verse; c) clearing the ambiguity of the meaning of the verse. Of course, the commentator's mystical approach has not had any effect on the discussion of readings.

Keywords: Recitations (Qira'at), Gonabadi, Tafsir Bayan al-Sa'adah, Function of Recitations (Qira'at), Origin of Recitations (Qira'at).

* **Date of receiving:** ۰۸ July ۲۰۲۱, **Date of approval:** ۱۲ March ۲۰۲۲.

^۱. Associate Professor and Faculty Member of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran: m.shamikhi@scu.ac.ir

^۲. Associate Professor and Faculty Member of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran: gh.bostani@scu.ac.ir

^۳. Associate Professor and Faculty Member of Shiraz University: z_ghasemi@yahoo.com

^۴. (Corresponding Author), Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran: omidi۷۰۹@yahoo.com



جایگاه و کارکرد اختلاف قرائات در تفسیر «بیان السعادة فی مقامات العبادة»*

مینا شمخی^۱ و قاسم بستانی^۲ و زهرا قاسم نژاد^۳ و آمنه امیدی^۴

چکیده

تفسیر «بیان السعادة» از مهمترین و کاملترین تفاسیر عرفانی شیعه است که با وجود رویکرد عرفانی از حیث مسائل کلامی، فقهی و اجتماعی قابل بحث است. سؤال اینکه تفاسیر عرفانی همچون بیان السعادة با دانش قرائات چگونه برخورد کرده‌اند؟ به عبارتی مسئله قابل توجه این است که آیا دانش قرائات با رویکرد عرفانی مفسر می‌تواند ارتباطی داشته باشد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی جایگاه و کارکرد مسئله قرائات را در تفسیر بیان السعادة مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج پژوهش بیان می‌کند: جایگاه قرائات در نزد گنابادی در مقایسه با مفسران هم‌عصر خویش جایگاهی قابل توجه داشته به‌گونه‌ای که وی، اهتمام ویژه‌ای به بحث قرائات نشان داده و خاستگاه فکری ایشان، خاستگاهی روشی با رویکردی غیر حدیثی است. در بحث قرائات، گنابادی گاه به ترجیح قرائت مشهور و گاه غیر مشهور به جهت تناسب آنها با سیاق آیات، مرجحات روایی، تبیین معنایی می‌پردازد؛ گاه هر دو قرائت را مورد توجه قرار داده و داوری میان آنها را رها کرده است. کارکرد قرائات در تفسیر بیان السعادة حول سه محور قابل ارائه می‌باشد: الف) گسترش و توسعه در معنای آیه؛ ب) تبیین معنای آیه؛ ج) رفع ابهام از معنای آیه. البته رویکرد عرفانی مفسر در بحث قرائات هیچ تأثیری نداشته است.

واژگان کلیدی: قرائات، گنابادی، تفسیر بیان السعادة، کارکرد قرائات، خاستگاه قرائت.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران؛ (m.shamkhi@scu.ac.ir).

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران؛ (gh.bostani@scu.ac.ir).

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز؛ (z_ghasemi@yahoo.com).

۴. نویسنده مسئول) دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (omid7092@yahoo.com)



مقدمه

مسئله قرائات از جمله مباحث بسیار مهم قرآن پژوهی است. اهمیت این مسئله به گونه ای است که دانشمندان علوم قرآنی و مفسران همواره به این مسئله توجه داشته اند، البته باید افزود این توجه همیشه در یک سیر صعودی قرار نداشته است بلکه در برخی موارد شاهد فراز و نشیب هایی در ارتباط با این موضوع هستیم. از آنجایی که بحث اختلاف قرائت ها یکی از مهم ترین قواعد تفسیری دانسته شده است و دستیابی به تفسیری صحیح در گرو رعایت دقیق این قواعد است (رجبی، ۱۳۸۳: ۴؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۷۲)؛ بنابراین میزان اهمیت این موضوع و پرداختن به آن به خوبی آشکار می شود. روش ها و گرایش های مختلف مفسران مانعی برای فهم و دستیابی به مقصود واقعی خداوند نیست و آنچه باید مورد عنایت قرار گیرد بهره گیری از قواعد متقن تفسیری است که از جمله این قواعد، قرائت و مسائل مربوط به آن می باشد.

به جهت اهمیت دانش قرائات در تفسیر جای این سؤال باقی است که برخی تفاسیر چون تفسیر بیان السعادة که مفسر با رویکرد عرفانی به تفسیر پرداخته است قرائت چه جایگاهی دارد. آیا دانش قرائت و به ویژه اختلاف خوانش قاریان در کلمات برای مفسری که با نگاه عرفانی به تفسیر می پردازد، مهم است و نوع نگاه مفسر به خوانش قاریان و اختلافات موجود چگونه است؟ این سؤالات حاکی از این مسأله است که در تفاسیر عرفانی، قرائت آیات چه کارکردی دارد و مفسر بین دانش قرائات و مباحث عرفانی چگونه ارتباط و پیوند برقرار کرده است؟.

برای پاسخ به سؤالات فوق و رسیدن به جواب مسأله از میان تفاسیر عرفانی تفسیر بیان السعادة انتخاب شد تا با مطالعه و بررسی تمام مواردی که مفسر از قرائت و اختلاف خوانش قاریان سخن گفته است بتوان رویکرد و جایگاه و کارکرد دانش قرائات در این تفسیر عرفانی را ارزیابی کرد.

علت انتخاب تفسیر بیان السعادة در بین سایر تفاسیر عرفانی از آن جهت است که گنابادی، در مقایسه با دیگر مفسران هم عصر خویش توجه ویژه ای به قرائات داشته است. همچنین با توجه به اینکه پژوهش قابل توجهی پیرامون تفسیر گنابادی صورت نگرفته، لازم است به بررسی و تبیین یکی از قواعد تفسیری در بیان السعادة پرداخته شود تا زمینه ساز دیگر پژوهش ها شود، از طرفی باید افزود از آنجایی که غالب تفاسیر عرفانی متعلق به اهل سنت هستند و تفسیر مذکور از مهم ترین تفاسیر عرفانی شیعه است ضروری می نماید به بررسی این مهم پرداخته شود. از این رو پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی تفسیر بیان السعادة به واکاوی و تبیین مسئله قرائت نزد مفسر پرداخته تا



با بررسی هریک از قرائات ذکر شده در تفسیر ایشان، به بررسی و معرفی جایگاه و کارکرد این موضوع در نزد مفسر دست یابد. باید اذعان داشت زمانی که صحبت از جایگاه و کارکرد قرائات می شود، قاعدتا با دو عنوان الف: جایگاه؛ ب: کارکرد روبه رو هستیم. در واقع منظور از جایگاه قرائت، میزان توجه مفسر به قرائت، ترجیح قرائت، مرجحات قرائی، مصادر قرائت، خاستگاه قرائت، فراوانی قرائت و... در نزد مفسر می باشد و زمانی که صحبت از کارکرد می شود منظور تاثیر و کارکردی است که قرائت بر تفسیر آیه می گذارد و در نهایت مفسر به آن اشاره کرده است.

تفسیر بیان السعادة از تفاسیر عرفانی می باشد، در ارتباط با تفاسیر عرفانی پژوهش های متعدد صورت گرفته است، باید توجه داشت که تفسیر بیان السعادة اگرچه تنها تفسیر عرفانی کامل شیعه است؛ اما پژوهشی مستقل با این عنوان صورت نگرفته است. تنها مقاله ای که در ارتباط با تفسیر مذکور نوشته شده است مقاله «روش شناسی تفسیر بیان السعادة» نوشته قدرت الله خیاطیان و سمیه خادمی می باشد. از سایر نگارشات پیرامون تفسیر بیان السعادة می توان از پایان نامه ای با موضوع پژوهشی در روش شناسی و مبانی تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادۃ از آقای آقایی در سال ۱۳۹۲ و «نقد و بررسی مبانی و رویکرد سلطان محمد گنابادی در تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادۃ» به قلم علی غفارزاده در سال ۱۳۹۰ نام برد.

در هریک از مقالات فوق بیشتر به جنبه عرفانی تفسیر پرداخته شده است؛ اما بحث دانش قرائات و اختلاف قاریان مورد توجه نویسندگان نبوده است

الف. زیست نامه و مفهوم شناسی

بخش اول این مقاله ابتدا گذری به زندگی نامه مؤلف و شناخت کتاب «بیان السعادة» خواهد داشت و سپس به ساخت مفهومی قرائت می پردازد.

۱. زیست نامه مؤلف

محمد گنابادی مشهور به سلطان علی شاه (۱۲۵۱-۱۳۲۷ قمری)، مؤلف تفسیر بیان السعادة از تفسیر مهم عرفانی شیعه و به زبان عربی است (همایونی، ۱۳۵۵: ۲۱۲). وی در ۲۸ جمادی الثانی سال ۱۲۵۱ هجری قمری، در گناباد خراسان متولد شد و برای تحصیلات به حوزه های درسی مشهد و نجف اشرف رفت؛ ایشان فقه و اصول را نزد شیخ محمد انصاری و حکمت متعالیه و حکمت اشراق را نزد حاج ملاهادی سبزواری فراگرفت (تابنده، ۱۳۸۴: ۲۳؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۶۵/۱). توجه به تفسیر



قرآن نزد گنابادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «شایسته‌ترین چیزها، بعد از خدمت کردن به علما و اهل بیت، تفکر و تأمل در قرآن است» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۹۸/۱). مهم‌ترین بعد قابل توجه در تفسیر گنابادی، توجه به اهل بیت بوده است به گونه‌ای که معتقد است اکثر آیات در ارتباط با اهل بیت است (همان: ۱۰۰/۱). از جمله ویژگی‌هایی که برای تفسیر گنابادی قابل ذکر است این است که مفسر به جمع و تطبیق اخبار مختلف، تفسیر آیات و عدم رد حدیث پرداخته است. گنابادی در ارتباط با علت نامگذاری تفسیر خود به بیان السعادة نوشته است: «از آغاز جوانی نسبت به مطالعه و... با نشاط بودم و خداوند مرا موفق ساخت، گاهی اوقات لطائفی برای من آشکار می‌شد که آن را در هیچ کتابی ندیده و از هیچ کسی نشنیده بودم بنابراین تصمیم گرفتم آنها را در اوراقی نوشته و تفسیرگونه ارائه دهم و سزاوار است آن را بیان السعادة فی مقامات العبادة نامگذاری کنم» (تابنده، ۱۳۸۴: ۹۰). از جمله کتاب‌هایی که گنابادی در تفسیر خویش از آنها استفاده کرده می‌توان کتاب اصول کافی، وسائل الشیعه، نورالثقلین و... نام برد. گنابادی علاوه بر بیان السعادة صاحب تالیفات دیگری از جمله: سعادت‌نامه، مجمع السعادات، تفسیر قرآن به نام بیان السعادة، ولایت‌نامه، بشارة المؤمنین تنبیه الصائمین بوده است (همان: ۳۲).

۲. تفسیر بیان السعادة

تفسیر بیان السعادة به زبان عربی و از تفاسیر عرفانی شیعه تألیف محمد گنابادی می‌باشد. اگرچه روح و دیدگاه کلی حاکم بر تفسیر بیان السعادة جنبه عرفانی آن است اما باید دقت داشت که علاوه بر جنبه عرفانی، شامل جنبه‌های ادبی، کلامی، روایی و... می‌باشد. بیان السعادة، متضمن مباحث ادبی نیز هست و در آن، ضمن تفسیر، نکات ادبی آیات و ترکیب لغات به تناسب موضوع مطرح شده است. برای مثال، در وجوه محتمل معانی حروف آغازین برخی سوره‌ها، مثل «الم» در بقره، بحث‌های مفصلی آورده است، از دیگر ویژگی‌های این تفسیر، آن است که مؤلف آن با وجود اعتقاد به اینکه جمع‌آوری آیات به ترتیب نزول آنها صورت نگرفته، چون معتقد به ارتباط معنوی میان آنها بوده، با توجه به ترتیب موجود میان آیات و کلمات، به بیان ارتباط معنوی میان آنها پرداخته است (علوی مهر، ۱۳۸۷: ۸۹). شیوه تفسیری مفسر به اینگونه است که در ابتدا بعد از ذکر هر سوره به بیان فضیلت سوره‌ها، مکی و مدنی، فضیلت و ثواب آنها پرداخته و در ادامه به بحث قرائات و دیگر مباحث مهم مورد نظر قرار داده. از آنجایی که قرائت و مسائل مربوط به آن را می‌توان از مهم‌ترین قواعد تفسیری دانست بنابراین به بررسی این موضوع در تفسیر مذکور پرداخته خواهد شد.



۳. مفهوم‌شناسی قرائت

واژه «قراءات» جمع «قراءة» است. «قراءة» مصدر سماعی فعل «قرأ» است. در لسان‌العرب ماده «قرأ» معنای جمع و اجتماع را در بردارد (ابن‌منظور، ۲۰۰۵، ماده قرء). قرأ یقرأ قراءة و قرأناً به معنای خواندن و تلاوت کردن است. تلاوت‌کننده قارئ است که جمع آن قراء است (زبیدی، ۱۴۱۴، ماده قرء). ابن‌اثیر می‌نویسد: «تکرر ذکر القراءة والافتراء والقارئ والقرآن، والأصل فی هذا اللفظ الجمع، وكل شیء جمعه فقد قرأته» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳، ماده قرء). بنابراین معنای «قرأت القرآن» «لفظت به مجموعاً» است (ابن‌منظور، ۲۰۰۵، ماده قرء). ابن‌قیم دو فعل «قری یقری» و «قرء یقرء» را متفاوت دانسته و می‌گوید: فعل «قری یقری» معتل و به معنای جمع و اجتماع است ولی فعل «قرء یقرء» از باب همزه به معنای ظاهر شدن و خروج به وجه معین و مشخص است (ابن‌قیم الجوزیه، ۱۴۰۵: ۶۳۵). راغب قرائت را به معنای پیوستن حروف و کلمات به یکدیگر می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده قرء).

«قراءات»، جمع «قرائت» و ساختار جمعی این کلمه حاکی از تنوع و اختلاف قرائت است. دانشمندان و علمای علم قرائت در تعریف اصطلاحی این واژه اختلاف نظر دارند. بدرالدین زرکشی در تعریف قرائات چنین آورده است: قرائات عبارت از اختلاف مربوط به «الفاظ» و «عبارات» و حی که این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن از سوی قرءاء نقل شده است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۸/۱).

تعریف زرکشی از قرائات یک تعریف جامع و مانع نیست؛ زیرا در این تعریف به نقل و روایت که در قرائت اصل است، اشاره‌ای نشده است. همچنین به اختلاف در اعراب و لغت و حذف و اثبات اشاره‌ای نکرده است.

اما دمیاطی، برخلاف زرکشی، قرائات را منحصر در واژه‌ها و الفاظ اختلافی نمی‌داند بلکه اظهار می‌دارد: قرائات عبارت است از علمی که از رهگذر آن، اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلان کتاب خدا درباره‌ی حذف و اثبات، حرکت و سکون، فصل و وصل حروف و کلمات و نظیر آن از قبیل: کیفیت تلفظ و ابدال و غیره از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی باشد (دمیاطی، ۱۴۰۷: ۵).

ابن جزری نیز مانند دمیاطی، سماع را در تعریف قرائات گنجانده و می‌گوید: قرائات، عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت است. اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است (ابن جزری، ۱۳۰۵: ۳)، سالم محیسن نیز با الهام از سخن ابن جزری در تعریف قرائات می‌گوید: «علم بکیفیات أداء کلمات القرآن الکریم واختلافها من تخفیف و تشدید و اختلاف ألفاظ الوحی فی الحروف بعزو ناقله» (سالم محیسن، ۱۴۱۷: ۶۶).



ب. میزان فراوانی قرائات در تفسیر بیان السعادة

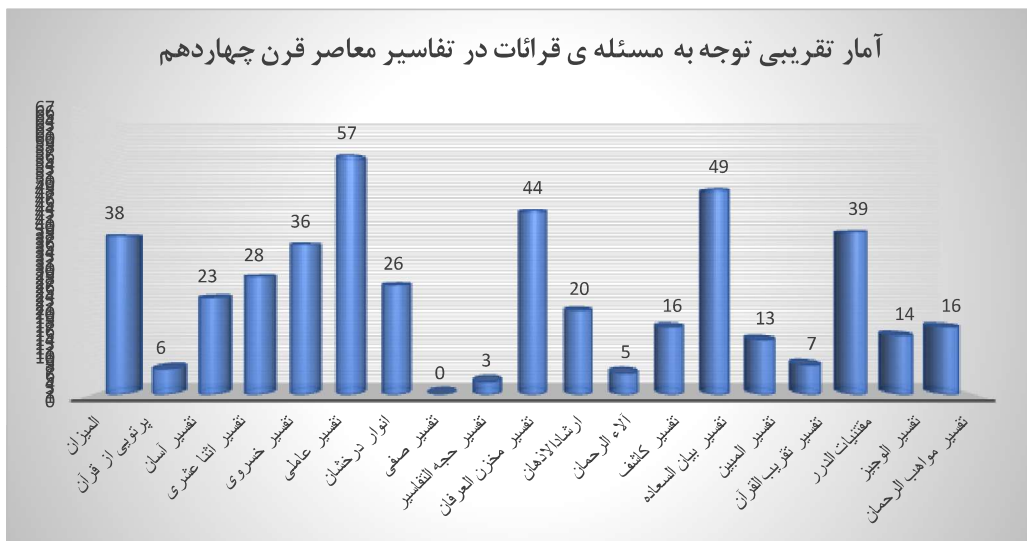
قرائات قرآن کریم از مباحث جنجالی در تاریخ قرآن و مربوط به بعد از رسول اکرم^ص است، اگرچه جمع قرآن در زمان عثمان تلاش برای از بین بردن اختلاف قرائات بود اما توحید مصاحف نتوانست به این اتحاد جامه عمل بپوشاند بنابراین در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم علم قرائات شکل گرفت (قاسم نژاد و جدادی، ۱۳۹۸، ص ۷، ش ۱۲، ص ۲۸۵). نیز علمای علوم قرآنی دسته‌بندی‌های متفاوتی را برای قرائات عنوان کرده‌اند در نتیجه صحبت کردن از یک تقسیم‌نهایی در دسته‌بندی قرائات کاری دشوار است. به عنوان مثال سیوطی معتقد است قرائات به دو دسته صحیح و شاذ تقسیم می‌شوند (سیوطی، ۱۳۸۰: ۲۵۳/۲). این در حالی است که زرقانی معتقد است قرائات به چهار دسته صحیح، شاذ، متواتر و آحاد قابل تقسیم است (زرقانی، ۱۳۸۵: ۴۶۸). میزان فراوانی تفسیر بیان السعادة در بخش کارکرد قرائات به‌گونه‌ای است که اگرچه گنابادی، توجه ویژه‌ای به قرائات و به‌ویژه قرائت مشهور و متداول داشته است؛ اما مشاهده می‌شود که ایشان در برگزیدن و یا ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر، گاه هر دو قرائت را ذکر کرده است و ترجیحی میان آنها قائل نشده و گاهی قرائت غیر مشهور را مورد توجه خود قرار داده. این نگاه مفسر نشانگر این است که هدف وی در گزینش قرائات، رسیدن به معنا، مقصود اصلی و سریع آیه بوده و نوع نگاه ایشان به قرائات به‌گونه‌ای است که بتواند مفاهیم و مدالیل آیات را روشن‌گرانه تبیین کند، لذا اگرچه قرائات مشهور را مورد توجه قرار داده است اما در مواقعی که قرائت غیر مشهور موجب فهم بهتر و سریع‌تر آیه بوده است یا هر دو قرائت را برگزیده و یا قرائت غیر مشهور را مورد تأیید خود قرار داده است که در ادامه به بررسی هریک از آنها در خلال آیات پرداخته شده است.

گنابادی در مقایسه با مفسران هم‌عصر خویش، در این زمینه به خوبی عمل کرده است. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که میزان توجه به قرائات در بین مفسران هم‌عصر وی در بخش کارکرد قرائات، تقریباً حدود شصت و هفت مورد بوده است و تفسیر بیان السعادة بیش از چهل و نه مورد آن را مورد توجه و ارزیابی قرار داده است.

جدول زیر بیان‌کننده فراوانی قرائات در سه بخش قرائت مشهور، غیر مشهور و گزارش هر دو قرائت در برخورد با اختلاف قرائات موجود در آیات است.



نمودار زیر بیان‌کننده میزان اهمیت مسئله قرائت در نزد مفسر نسبت به هم‌عصران خویش است.





ج. خاستگاه بحث قرائت در تفسیر گنابادی

منشأ پیدایش یک مسئله را خاستگاه می‌نامند و در بحث قرائات خاستگاه به دو دسته فکری و روشی تقسیم می‌شود (مرتضوی و طیب حسینی، ۱۳۹۸: ۳۱). تعریفی که برای خاستگاه فکری می‌توان در نظر گرفت این است که هر گاه مفسر آراء قرائی خود را در جهت فکری خویش به کار گیرد می‌توان خاستگاه قرائی وی را خاستگاهی فکری دانست. این خاستگاه می‌تواند ادبی، عرفانی، تربیتی، اجتماعی و... باشد. خاستگاه روشی بسته به جایگاه قرائات و اهمیت بحث قرائات در نزد مفسر دارد. به عبارتی دیگر اهتمام به طراحی و بررسی قرائات مختلف را می‌توان خاستگاه روشی دانست (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲/۲۶۴). خاستگاه قرائات در نزد گنابادی خاستگاهی روشی است به گونه‌ای که مفسر بعد از ذکر آیات و تبیین معانی آیات به قرائات موجود در آیه نیز اشاره می‌کند، مانند روشی که صاحب مجمع البیان در ارائه مباحث تفسیری خود دارد. بررسی اختلاف قرائات در نزد مفسر نشانگر این است که خاستگاه قرائی وی، اهتمام به طراحی و ارائه قرائات بوده است. مفسر آراء قرائی خود را در جهت رویکرد عرفانی خود به کار نگرفته بلکه با توجه به اهمیت و جایگاه علم قرائات به بیان اختلاف قرائات در خلال آیات دست زده است. به عبارتی اگر گنابادی در تفسیر آیات به بحث قرائت توجه داشته است از این جهت است که توجه به قرائت صحیح را لازمه تفسیر می‌داند بدون آنکه بخواهد با توجه به اختیار قرائت آراء خود را به قرآن تحمیل کند.

د. مصادر قرائت در تفسیر بیان السعادة

گنابادی در تفسیر بیان السعادة به منبع قرائی اشاره نکرده است اما از آنچه در بیان قرائت و معانی وجوه قرائی ذکر کرده است می‌توان به منابع او پی برد در بیشتر موارد وی از تفسیر مجمع البیان استفاده کرده است به عنوان نمونه در بیان قرائت آیه ۱۱۹ سوره بقره آنچه نقل می‌کند هماهنگ با تفسیر مجمع البیان است. هرچند از دیگر تفاسیر مانند تفسیر طبری هم بهره گرفته است و آراء او شبیه به سخنان طبری است. وی سیاق آیات را یکی از مؤیدات یک وجه از وجوه قرائت می‌داند و در تبیین وجوه قرائی در بیشتر موارد هماهنگی با سیاق را دلیل ترجیح یک وجه قرائی می‌داند. در برخی موارد مانند بحث هماهنگی قرائت غیر مشهور با سیاق در آیه ۹ سوره فتح سخنان هماهنگ با برخی منابع احتجاج قرائات است و گفتار او شبیه سخن ابن زنجله است (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۶۷۱).



هـ. کارکرد قرائات در تفسیر بیان السعادة

همان گونه که ذکر شد قرائات از جمله مباحث بسیار مهم و قابل توجه در نزد علمای علوم قرآنی و مفسران بوده است. تعدد قرائات و وجوه متخلف قرائی یک واژه، مسئله‌ای غیر قابل انکار بوده که از عصر صحابه شروع و در دوره‌های بعد گسترش چشمگیری داشته است. اهمیت و تأثیر غیر قابل انکار قرائات در برداشت‌های قرآنی و تفسیری، دانشمندان و مفسران را بر آن داشته تا کم و بیش به این موضوع توجه نشان دهند و در نتیجه، در کتب خود این موضوع را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهند. کارکرد قرائت را می‌توان حول سه محور و شاخصه ارزیابی و تبیین کرد. ۱- گسترش در معنای آیه؛ ۲- تبیین معنای آیه؛ ۳- رفع ابهام از معنای آیه می‌باشد که در ادامه به تفکیک هریک از سه کارکرد، در تفسیر بیان السعادة پرداخته شده است.

۱. گسترش در معنای آیه

کارکرد برخی قرائات‌ها به گونه‌ای است که معنای آیه را توسعه می‌دهند تا آیه بیش از یک معنا پیدا کند. نمونه‌های زیر کارکرد این مهم را تبیین می‌کند.

۱-۱. إِنْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (بقره: ۱۱۹)

عاصم، ابوعمر، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه و کسای (لَا تُسْأَلُ) با تاء و لام مضموم و نافع (لَا تُسْأَلُ) به فتح تاء و سکون لام قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۳۶۲، ص ۶۷). قرائت مشهور (لَا تُسْأَلُ) به رفع تاء و لام است (ابن جزری، بی تا، ۲/۲۲۱).

گنابادی ضمن اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه، به بررسی هریک از وجوه قرائی می‌پردازد و در نهایت هر دو وجه قرائی را مورد توجه خود قرار می‌دهد. این مسئله نشان‌دهنده این است که خاستگاه مفسر برخاسته از روش تفسیری وی است که مسئله قرائات را از مسائل مهم تفسیری دانسته و به آن توجه نشان داده است. قرائت به وجه (لَا تُسْأَلُ) به دو معنا می‌باشد: ۱- بشیر و نذیر بودن پیامبر α که جمله، جمله‌ای حالیه است ۲- جمله‌ای استینافیه است و منقطع از جملات قبل؛ قرائت به وجه (لَا تُسْأَلُ) به معنای ۱- نهی از سوال کردن ۲- عظمت، سختی و بزرگی عذاب جهنمیان است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۱). فعل (لَا تُسْأَلُ)، مضارع مجهول و نائب فاعل (انت) مستتر می‌باشد. معنای آیه بر این وجه از قرائت این است که تو تنها بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده هستی و هنگامی که به مسئولیت خود عمل نموده‌ای پس در برابر لجاجت کفار هیچ مسئولیتی نداری. قرائت به وجه غیر مشهور، مضارع معلوم می‌باشد و معنای آیه این است که ای پیامبر سختی و بزرگی عذاب جهنمیان به گونه‌ای است که قابل



بیان نیست و از آنان چیزی نپرس. قرائت به وجه دوم (لا تَسْأَلْ) باعث گسترش و توسعه در معنای آیه شده است و معنای کلی این است که ای پیامبر α تو تنها بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده هستی و برای کافران عذاب دردناک و سختی است که قابل وصف و پرسش نیست.

قابل توجه است که بررسی هر دو وجه قرائی و معنای هر دو وجه در اینجا به این دلیل است که گنابادی بدون اشاره به روایت اهل سنت و قرائت نافع می‌خواهد شبهه‌ای که قرائت غیر مشهور دارد را با بیان معنای آیه رفع نماید. برخی قرائت نافع از آیه را «وَلَا تَسْأَلْ» نهی پیامبر از سوالی می‌دانند که ایشان فرمودند: «لیت شعری ما فعل ابوی» و این آیه در رد این سخن پیامبر نازل شد یعنی از اهل جهنم سوال نکن که به صورت غیر مستقیم اشاره به جهنمی بودن پدر و مادر پیامبر دارد. روایات مربوط به این مسأله در تفسیر طبری با طرق مختلف نقل شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۴۱۰). گنابادی به اصل مسأله در دیگر تفاسیر به‌ویژه تفاسیر اهل سنت اشاره‌ای نکرده اما این که هر دو وجه معانی را ذکر کرده است حکایت از دفع شبهه توسط گنابادی دارد.

۲-۱. Π وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره: ۱۲۵)

فعل (وَ اتَّخِذُوا) به دو وجه قرائت شده است برخی آن را به امر یعنی (وَ اتَّخِذُوا) و برخی ماضی (وَ اتَّخِذُوا) قرائت کرده‌اند. قرائت مشهور آیه (وَ اتَّخِذُوا) به صیغه امر است (دانی، ۱۳۶۲: ۷۶؛ بن مجاهد، ۱۴۴۰: ۱۷۰). عاصم، ابوعمر، ابن‌کثیر، حمزه و کسایی (وَ اتَّخِذُوا) نافع و ابن‌عامر (وَ اتَّخِذُوا) قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۳۶۲: ۷۸).

توجه گنابادی در برخورد با اختلاف قرائت، ترجیح قرائت مشهور بر قرائت غیر مشهور است، به‌گونه‌ای که با ذکر وجوه معنایی حاصل از هریک از قرائات در نهایتاً توجه خود را به قرائت مشهور متمرکز می‌کند. قرائت واژه (وَ اتَّخِذُوا)، به معنای الزام و امری بودن آن است و عطف به جمله Π يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: ۱۲۲) می‌باشد، نیز به لحاظ معنوی می‌تواند عطف بر جمله Π وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا (بقره: ۱۲۵)، باشد زیرا به معنای (ثوبوا و التخذوا) است؛ معنای آیه طبق قرائت به (وَ اتَّخِذُوا)، این چنین است که، به‌سوی خانه خدا برگردید و برای خدا حج گذارید (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱/۱۵۲). قرائت (وَ اتَّخِذُوا)، به معنای امر (حج بگذارید و نماز بخوانید) و قرائت (وَ اتَّخِذُوا) جمله‌ای خبریه (خبر از فرزندان ابراهیم) است که حج گذاردند و محل دعایی برای خود انتخاب کردند) است. به عبارتی، دیگران را از اینگونه اطاعت خبر می‌دهد (وَ اتَّخِذُوا)، که آن را اطاعت کنند و اجرا کنند (وَ اتَّخِذُوا). قرائت به وجه خبری نیز با محتوای آیه سازگار است و باعث توسعه و گسترش در معنای آیه به وجه خبری شده است.



قرائت به وجه ماضی و گسترش در معنای آیه (جدول ۱)

ماضی (فاعل خداوند)	ماضی (اطلاعت کنندگان: پیروان ابراهیم)	ماضی
وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا	وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى	عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكْعَ السُّجُودِ

قرائت به وجه امر (جدول ۲)

خبریه	امر (انشائیة)	خبریه
وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا	وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى	عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكْعَ السُّجُودِ

۳-۱. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِّلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره: ۲۱۹).

اختلاف در واژه (کبیر) می باشد، عده آن را (کبیر) و عده ای دیگر (کثیر) قرائت کرده اند. آنچه به عنوان قرائت مشهور از آن یاد کرده اند (کبیر) است (ابن مجاهد، ۱۴۴۰: ۱۸۲). حمزه و کسایی آن را (کثیر) قرائت کرده اند (سالم محیسن، ۱۴۱۷: ۲۴۴/۱). با توجه به جمله (إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ) قرائت واژه (کبیر) را می توان مورد توجه قرار داد و این را دال بر ترجیح قرائت (کبیر) بر قرائت (کثیر) دانست. همنشینی کلمات (اکبر و اثم) در ادامه آیه تایید بر قرائت (کبیر) است (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۲۹۱/۱).

قرائت واژه (کبیر) به دو وجه (کثیر و کبیر)، صاحب بیان السعادة را بر آن داشته تا علاوه بر ذکر اختلاف قرائت موجود در آیه به بیان معنای دقیق قرائت به وجه مشهور پردازد و جهت برگزیدن قرائت به وجه مشهور دلیل خود را نیز ارائه دهد. واژه (کبیر) به صورت (کثیر) قرائت شده است کسانی که واژه را با (ثاء) قرائت کرده اند بر این معتقدند که واژه (اثم و ذنب) هر دو به یک معنا است و نیز برخی معتقدند از این آیه حرمت بر نمی آید زیرا حرمت در جایی است که منفعت در آن نباشد و در خمر ضرری است که این ضرر بیشتر از منفعتش است؛ اما در مقابل این دسته از افراد باید گفت (اثم) به معنای گناه است مانند جایی که خداوند می فرماید: Π وَ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (نساء: ۴۷)، و اگر حرام نیست چگونه مرتکب آن گناهکار است؟ آنچه از این اختلاف قرائت یاد می شود این است که مصرف شراب گناهی بزرگ است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۹۳/۱). می توان گفت: هر دو قرائت ناظر بر بزرگی و عظمت گناه خمر و میسر است و قرائت مشهور (کبیر) نیز این معنا را به صراحت می رساند. اگرچه قرائت به وجه کثیر نیز ناظر به گناه است و گستردگی در معنای آیه را به دنبال دارد اما



رویکرد غالب مفسران در تفسیر این آیه ترجیح قرائت مشهور کبیر است؛ لازم به ذکر است تمامی مفسران بر این نظر اتفاق دارند که این اختلاف نه تنها تضادی را در معنای آیه ایجاد نکرده است بلکه باعث گستردگی و توسعه در معنای آیه شده است؛ بنابراین تأکید بر حرمت شراب دو علت است: ۱- گناه کبیره بودن آن ۲- کثرت گناهان برای کسی که این عمل را مرتکب می‌شود. برخی از منابع احتجاج قرائی در معنای اینگونه بیان کرده‌اند که قرائت (کثیر)، در برگرنده معنای (کثرت و کبر) می‌باشد و نسبت به قرائت کبیر ارجحیت دارد (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۱؛ ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۱۳۱).

۴-۱. Π. سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (صفات: ۱۳۰) (دروید بر پیروان الیاس).

در قرائت (الْیاسین) اختلاف شده است. برخی آن را با کسر همزه (إِلْیاسین) و برخی با مد همزه (إِلْیاسین) خوانده‌اند. قرائت مشهور با کسر همزه (إِلْیاسین) است (ابن مجاهد، ۱۴۴۰: ۱۵۲). ابن عامر، نافع، ورش، یعقوب، قرائت با همزه، (الْیاسین) خوانده‌اند و برخی دیگر به کسر همزه (إِلْیاسین) قرائت کرده‌اند (ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۲۲۷).

مفسر قرائت غیر مشهور را بر قرائت مشهور ترجیح می‌دهد و برای اثبات نظر و دیدگاه خویش از مرجحات روایی استفاده می‌کند. نافع، ابن عامر، یعقوب و زید (إِلْیاسین) را با مد (إِلْیاسین) قرائت کرده‌اند؛ روایات وارده در ارتباط با این قرائت بیانگر ترجیح قرائت غیر مشهور (إِلْیاسین) می‌باشد، چنانچه از امام صادق^ع نقل شده، منظور از یاسین، رسول خدا^ص و (إِلْیاسین) ما هستیم و آن را با مد قرائت کرده است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۰۲/۳). بهره‌گیری از قرائت غیر مشهور عاملی برای توسعه و گسترش در معنای آیه شده است.

در نتیجه باید گفت: جایگاه قرائات در نزد مفسر بیان السعادة، جایگاهی بسیار ارزشمند و قابل توجه بوده است، به گونه‌ای که مفسر، به بهره‌گیری از قرائت مشهور، غیر مشهور و ترجیح هر دو قرائت در بیان آراء تفسیری خود دست زده است. در ارتباط با کارکرد قرائات در تفسیر بیان السعادة نیز باید گفت: از جمله کارکردهای قرائت در بیان السعادة گسترش و توسعه در معنای آیات می‌باشد که مفسر ضمن اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه، قرائتی را ترجیح می‌دهد که به فهم مطلوب آیه دست یابد خواه این فهم به وسیله قرائت مشهور باشد، خواه قرائت غیر مشهور و یا ترجیح هر دو قرائت.

مجموعه آیات تاثیرگذار در حوزه گسترش در معنای آیات در تفسیر گنابادی به بیست و سه مورد می‌رسد،^۱ که تبیین هریک از حوصله بحث خارج است. جدول زیر بیان‌گر قرائات مورد توجه این حوزه در تفسیر بیان السعادة می‌باشد.

۱. Π. وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضُكُمْ وَآخِذْتُكُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِنْصَرُوا قَالُوا أَأَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ O (آل عمران/۸۱)؛ Π. وَأَمَّا مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ O (روم/۲۲).



بقره/ ۱۰	بقره/ ۹	بقره/ ۲۱۰	بقره/ ۲۱۹	صافات/ ۱۳۰	انعام/ ۱۰۵	اسراء/ ۹۳	بقره/ ۲۵۹
اعراف/ ۱۱۳	مومنون/ ۱۱۰	بقره/ ۹۰	همزه/ ۲	نساء/ ۹۴	مائده/ ۶	رعد/ ۳	اسراء/ ۱۶
کهف/ ۴۴	انعام/ ۱۳۷	آل عمران/ ۸۱	بقره/ ۱۲۵	بقره/ ۱۱۹	روم/ ۲۲	حدید/ ۱۸	

۲. تبیین معنای آیه

کارکرد قرائت مختلف گاه به گونه ای است که معنای آیه را توضیح و تبیین می کند و به عبارتی آیه را از حالت اغماض خارج می کند. نمونه های این مهم به شرح زیر است:

۱-۲. لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (فتح: ۹)

تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید).

افعال (لَتُؤْمِنُوا، تُعَزِّرُوهُ، تُوقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ) به دو وجه غائب و مخاطب خوانده شده است. قرائت مشهور (لَتُؤْمِنُوا، تُعَزِّرُوهُ، تُوقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ) به وجه خطاب است (ابن مجاهد، ۱۴۴۰: ۶۰۳). طرفداران قرائت به وجه مخاطب دلیل خود را در پذیرفتن این وجه اختلاف قرائی اینگونه بیان می کنند که خداوند متعال بعد از خطاب قرار دادن رسول اکرم α در آیه Π إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (فتح: ۸)، مؤمنان را مورد خطاب خود قرار می دهد (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۲). ابن کثیر و ابو عمرو (لَيُؤْمِنُوا، يُعَزِّرُوهُ، يُوقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ) با یاء قرائت کرده اند (اهوازی، ۲۰۰۲: ۳۳۴).

همان گونه که بیان شد هدف و نوع نگاه مفسر به مسئله قرائات، خاستگاهی روشمندانه دارد؛ به عبارتی دیگر مفسری که نگاه روشمندانه ای دارند دآوری در مسئله قرائت را حول محور فهم و دستیابی بهتر به مدالیل آیات می دانند. مفسر در ارائه قرائت موجود در آیه به ترجیح قرائت غیر مشهور دست می زند و دلیل ترجیح خود را هماهنگی با سیاق آیات ذکر می کند، در نتیجه معنای آیه را بر اساس آن تحلیل و ارزیابی می کند. در قرائت مشهور همه فعل های چهارگانه با (تاء) که علامت خطاب است قرائت شده و در قرائت ابن کثیر و ابو عمرو با (یاء) که علامت غیبت است قرائت شده، و قرائت این دو با سیاق مناسب تر است؛ معنای آیه بنا بر قرائت با (تاء) این است که خداوند پیامبر α را خطاب قرار می دهد که ما تو را به عنوان مبشر و منذر فرستادیم برای اینکه به خدا و رسولش ایمان بیاورید و بنا بر



قرائت با وجه دوم (یاء)، مخاطب مردم هستند و هدف ایمان مردم است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۹۴/۴). آنچه گنابادی در هماهنگی قرائت غیر مشهور با سیاق مطرح می نماید شبیه گفتار علامه طباطبایی است که می نویسد: «در قرائت ابن کثیر و ابو عمرو با «یاء» که علامت غیبت است قرائت شده، و قرائت این دو با سیاق مناسب تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۴/۱۸).

۲-۲. و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ O (بقره: ۸۳).

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید» آن گاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. اختلاف قرائت در واژه (حُسْنًا) می باشد. کلمه (حُسْنًا) به دو وجه (حُسْنًا) و (حَسَنًا) قرائت شده است. عاصم، نافع، ابو عمر، ابن کثیر و ابن عامر (حُسْنًا) خوانده اند و حمزه و کسایی (حَسَنًا) قرائت کرده اند (دانی، ۱۳۶۲: ۴۷).

گاه مفسر هر دو قرائت را گزارش می کند و ترجیحی را بین هیچ یک از قرائات ذکر نمی کند. آیه مذکور، روشنگر این موضوع می باشد. حمزه و کسایی (حَسَنًا) به فتح حاء و سین، خوانده اند، و سایر قراء، (حُسْنًا) به ضم حاء، قرائت کرده اند؛ کسی که آن را به ضم حاء خوانده به این معنا است که حُسَن به معنای حَسَن می باشد و کسی که آن را (حَسَنًا) قرائت کرده به این معنا است که با مردم سخن نیکو و خوب بگویید (گنابادی، بیتا: ۱۱۹/۱). آنچه باید گفت این است که حُسَن به معنای هر چیز شادی بخش و مورد رغبت انسان است و حَسَن به معنای زیبایی و نیکویی است و مَنْ ذَا الَّذِي يَرْغُبُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا O. قرائت به وجه (حَسَن) بیان گر سخن گفتن به خوبی و همراه با احترام، زبان نرم و خوش است. اگرچه واژه (حُسَن) نیز در بردارنده معنای سخن نیکو است اما قرائت به وجه دوم تحلیل گر معنای قرائت به وجه اول است (حُسَن) در زبان عامه به زیبایی های معنوی که از طریق بصیرت درک می شوند گفته می شود ولی واژه (حَسَن) بیشتر در معنای اعیان و حوادث به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۱). در نتیجه قرائت به وجه دوم تبیین گر قرائت به وجه اول است.

۳-۲. فَقَدْ كَذَّبُكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا تَنْصَرُّوْا وَ مَنْ يَظْلِمِ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا O (فرقان: ۱۹)

قطعاً [خدایانتان] در آنچه می گفتید، شما را تکذیب کردند در نتیجه نه می توانید [عذاب را از خود] دفع کنید و نه [خود را] یاری نمایید و هرکس از شما شرک ورزد عذابی سهمگین به او می چشانیم. اختلاف قرائت در واژه (فَمَا تَسْتَطِيعُونَ) می باشد. عده ای قراء آن را با تاء (فَمَا تَسْتَطِيعُونَ) و



گروهی دیگر با یاء (فَمَا يَسْتَطِيعُونَ) قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۳۶۲: ۳۲۵).

در این مثال نیز شاهد این مهم هستیم که مفسر قرائت غیر مشهور را به جهت تناسب با سیاق بر قرائت مشهور ترجیح می‌دهد. معنای آیه بر اساس قرائت مشهور این است که شما مشرکان، نمی‌توانید عذاب را از خود دور کنید و خطاب متوجه مشرکان است، قرائت به وجه غیر مشهور با (یاء) قرائتی است که با محتوای آیه سازگارتر است و تفسیر آیه این است که معبودهای شما مشرکان نمی‌توانند عذاب را از شما دور کنند و شما را یاری کنند و از عقوبت من برهانند (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۳۷/۳). قرائت غیر مشهور (فَمَا يَسْتَطِيعُونَ) موجب تبیین معنای آیه شده است. در قرائت به وجه مشهور فاعل جمله را مشرکان دانسته است اما مفهوم اصلی آیه بیانگر ناتوانی معبودان آنها در رفع عذاب و... می‌باشد. قرائت به وجه غیر مشهور فاعل جمله را متوجه الهه مشرکان می‌کند و معنای آیه را بنا به وجه اول قرائی تبیین می‌کند و ترجیح هریک از این قرائات تضادی را در مراد و مقصود اصلی آیه ایجاد نمی‌کند.

۴-۲. يَخْدَعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (بقره: ۹).

فعل (یخدعون) به دو شکل (يَخْدَعُونَ) و (يُخَادِعُونَ) خوانده شده است. قرائت به وجه اول (يَخْدَعُونَ)، قرائت مشهور می‌باشد (ابن مهران، ۱۴۰۸: ۹۸) (خَدَعَ، يَخْدَعُ، خَدَعًا، خَدِيعَةً) به معنای آشکارکردن خلاف آنچه در باطن و ضمیر است را می‌گویند (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۸/۱۱). قرائت به وجه اول بیانگر این است که خداوند از حال منافقانی خبر می‌دهد که سعی در فریب دادن خداوند و مؤمنان را دارند درحالی‌که آنها خود را فریب می‌دهند و آنچه برای آنان در ابتدای جمله آورده است را در انتهای جمله از آنان نفی می‌شود: «وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ» (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۸۷). ابوعمر و نافع و این کثیر (يُخَادِعُونَ) قرائت کرده‌اند (دمیاطی، ۱۴۰۷: ۱۲۸).

گنابادی در این قسم از اختلاف قرائات، قرائت مشهور را بر قرائت غیر مشهور ترجیح می‌دهد. نوع نگاه اعتدالی مفسر در برخورد با قرائات به‌خوبی قابل تبیین است. قاریان در آیه (يَخْدَعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ) اختلاف کرده‌اند برخی آن را (يُخَادِعُونَ) و برخی دیگر آن را (يُخَادِعُونَ) قرائت کرده‌اند؛ در این قرائت وجود خدعه از ناحیه منافقان را نشان می‌دهد به‌گونه‌ای که این خدعه و نیرنگ بر خداوند و مؤمنان تاثیری ندارد و تنها خودشان فریب و نیرنگ می‌خورند، قرائت به وجه اول به معنای این است که منافقان با عملی که مرتکب شدند خدعه خداوند را برای خود اثبات کردن و بنا بر وجه دوم خدعه را تثبیت نمی‌کند و آنچه مورد توجه می‌باشد قرائت (يُخَادِعُونَ) می‌باشد (گنابادی، ۱۴۰۸: ۵۷/۱).



می نویسد طبری نتیجه می گیرد تنها قرائت «يُخَدَعُونَ» می تواند صحیح باشد؛ زیرا فعل «يَخَادِعُونَ» صحت خدعه را تأیید و تثبیت نمی کند در حالی که لفظ «يُخَدَعُونَ» صحت خدعه را تأیید می نماید. بدون شک منافقان با عملی که مرتکب شده اند خدعه خداوند متعال را بر خود واجب نموده اند (طبری، ۱۴۱۲: ۹۳/۱-۹۲). بنابراین طبری قرائت «يُخَدَعُونَ» را اختیار و تنها این قرائت را صحیح دانسته و می گوید: محال است خداوند متعال آنچه را که در ابتدای آیه برای آنان اثبات نموده است در ادامه آیه از آنان نفی کند (طبری، ۱۴۱۲: ۹۳/۱).

همان طور که ملاحظه می شود اختلاف قرائت موجود باعث تبیین معنای آیه و روشن شدن آن شده است. بنابراین یکی دیگر از کارکردهای اختلاف قرائت در تفسیر بیان السعادة تبیین معنای آیه می باشد. واکنش و برخورد مفسر در این بخش نیز در سه شاخصه قابل ارائه است: ۱- ترجیح قرائت غیر مشهور؛ ۲- ارائه هر دو قرائت؛ ۳- ترجیح قرائت مشهور.

مجموعه آیات تاثیرگذار در حوزه تبیین معنای آیات در تفسیر گنابادی شامل چهارده شاهد مثال

می باشد؛ مثال ها و جدول زیر بیانگر قرائات مورد توجه این حوزه در تفسیر بیان السعادة می باشد.^۱

فاتحه/۴	نساء/۵۹	انعام/۹۸	بقره/۲۱۴	فرقان/۱۹	حشر/۲	مانده/۱۱۵
انفال/۵۹	بقره/۳۷	بقره/۸۳	شعراء/۳۶ و ۳۷	مریم/۱۹	نساء/۲۳	فتح/۹

۳. رفع ابهام از معنای آیه

تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر گاه به گونه ای است که توهم، اشکالات و ابهامات موجود در معنای آیه را از بین می برد. از بزرگ ترین براهین و آشکارترین دلایل، این است که با وجود اختلاف و تنوع بسیار در قرائت ها، هیچ گونه تضاد، تناقض و مخالفتی در آنها وجود ندارد؛ بلکه به طور کلی، برخی از آنها تصدیق کننده و بیان کننده برخی دیگرند و برخی بر برخی دیگر شهادت می دهند (زقروق، ۱۴۲۳: ۳۳۳).

۳-۱. فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدَ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَ لَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ (محمد: ۴).

اختلاف قرائت در واژه (قُتِلُوا) است و قراء آن را (قُتِلُوا) و (قَاتِلُوا) قرائت کرده اند. قرائت مشهور (قُتِلُوا) است (دانی، ۱۳۶۲: ۱۰۲). اهل بصره و حفص قرائت واژه را به صورت ماضی، (وَ الَّذِينَ قُتِلُوا)

۱. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَابِعْثُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدَى الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر/۲)؛ ۲- فَإِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (مریم: ۱۹).



قرائت کرده‌اند و عده‌ای آن را با (الف)، (وَالَّذِينَ قَاتَلُوا) قرائت کرده‌اند (الباز، ۱۴۲۵: ۴۰).

نگاه مفسر به این قسم از قرائات به‌گونه‌ای است که تنها به گزارش اختلاف قرائت پرداخته است و معانی هریک از وجوه قرائی را ذکر می‌کند. عده‌ای مانند یعقوب، حفص و اهل بصره (وَالَّذِينَ قَاتَلُوا) به‌صورت مجهول خوانده‌اند و برخی (وَالَّذِينَ قَاتَلُوا) با الف از باب مفاعله خوانده‌اند؛ قرائت به وجه مجهول به این معنا است: کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند خداوند هرگز کارهایشان و اجرشان را ضایع نمی‌کند و قرائت با الف از باب مفاعله به معنای تمام کسانی است که در جنگ شرکت می‌کنند و به‌عبارتی دیگر، آنها که جنگ کنند خواه کشته شوند یا نشوند مزدشان را می‌برند (کنبادی، بیتا: ۲۵۸/۱۳). همان‌گونه که مشاهده می‌شود قرائت به وجه اول، همان قرائت مشهور و قرائت به وجه دوم (قاتلوا) از باب مفاعله می‌باشد. در قرائت به وجه اول این ابهام به وجود می‌آید که تنها کسانی از اجر و فیوضات الهی بهره‌مند می‌شوند که در این راه کشته شده باشند و به وجهی دلالت بر تخصیص دارد و تکلیف کسانی که در این راه جانباز و یا آزاده می‌شوند مشخص نشده است. قرائت به وجه دوم را می‌توان از باب اشتقاق به حساب آورد و معنایی عام و فراگیر دارد که علاوه بر کسانی که در این راه کشته می‌شوند شامل تمامی افرادی در این راه، نبرد کرده‌اند می‌شود.

۱-۳. وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ* أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ O (نمل: ۲۴-۲۵).

اختلاف قرائت در واژه (أَلَا يَسْجُدُوا) می‌باشد. عده‌ای لام در (أَلَا) را مشدد و عده‌ای به تخفیف خوانده‌اند. ابوجعفر، کسائی، یعقوب و رويس به تخفیف لام در (أَلَا يَسْجُدُوا) خوانده‌اند و دیگران به تشدید (أَلَا يَسْجُدُوا) خوانده‌اند (زقروق، ۱۴۲۳: ۳۲۷). قرائت مشهور (أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ) به تشدید لام می‌باشد (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۱۲۵).

نمونه دیگری که گنابادی به ارائه گزارش اختلاف قرائی دست زده در این آیه می‌باشد. برخی از قراء (لام) در کلمه (أَلَا يَسْجُدُوا) را بدون تشدید خوانده‌اند؛ قرائت (أَلَا يَسْجُدُوا) دلالت بر نکوهش و مذمت تارک سجود می‌باشد، به این معنا که شیطان اعمالی را زینت داد که برای خدا سجده نکنند و قرائت به تخفیف لام، دلالت بر امر کردن دارد و به وجوب سجده امر می‌کند (کنبادی، ۱۴۰۸: ۱۷۳/۳). اختلاف قرائت در تخفیف و تشدید حرف لام در کلمه (أَلَا يَسْجُدُوا) می‌باشد. معنای آیه بنا بر قرائت با تشدید (لام) دلالت بر نکوهش عدم سجده کردن می‌باشد که شیطان به‌وسیله زینت دادن



اعمال زشت، آنان را از این امر باز می‌دارد. توجه و تمرکز این نوع از قرائت، بر نکوهش موجود در آیه است و نه وجوب آن. این در حالی است که همان‌گونه که برخی از مفسران به این مهم توجه کرده‌اند؛ قرائت با تخفیف (لام) این ابهام را در آیه رفع می‌سازد که حکم موجود در آیه تنها یک نکوهش نیست بلکه دلالت بر امر و حکمی واجب و یا همان وجوب سجده را می‌رساند. در نتیجه می‌توان بین دو قرائت جمع نمود، از آنجایی که کلام نکوهش بر ترک سجده را می‌رساند این نکوهش و توبیخ به خاطر وجوب سجده است که انجام نداده‌اند.

۲-۳. قَالَ يُنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْلُنْ مَّا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكُ
أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ O (هود: ۴۶).

اختلاف قرائت در واژه (عَمَلٌ) می‌باشد. برخی قراء آن را به صورت فعل ماضی قرائت کرده‌اند. نافع، ابوعمر، ابن کثیر، عاصم، حمزه، ابن مسعود، شعبی، حسن بصری، اعمش و... (إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ) قرائت کرده‌اند و کسائی، ابن عباس، انس، عروه، عکرمه، و... به صورت فعل ماضی قرائت کرده‌اند (فارسی، ۱۴۱۳: ۳۴۱/۴؛ دانی، ۱۳۶۲: ۱۰۲؛ ابن جزری، بی تا، ۴۰۶/۳).

صاحب بیان السعادة هر دو قرائت را مورد توجه قرار داده است. ظاهر آیه بیانگر این است که مرجع ضمیر، پسر نوح می‌باشد و خود او عمل غیر صالح باشد و اگر خداوند او را عمل غیر صالح خوانده است از باب مبالغه است مانند عبارت (زید عدل) و یا عبارت (فانما هی اقبال و الادبار)، یعنی دنیا دارای اقبال و ادیار است و معنای جمله این است که پسر تو دارای عمل غیر صالح است و در نتیجه از افرادی نیست که شامل نجات یافتن شود، برخی از قراء، واژه (عمل) را به صورت ماضی قرائت کرده‌اند که خود تأییدی بر قرائت به وجه مشهور است و معنای آیه این است که این پسر تو در سابق نیز عمل ناشایست انجام داده است (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۲۹/۲). قرائت مشهور باعث ایجاد ابهام در بین مفسران و برداشت‌های تفسیری اشان شده است؛ به عنوان مثال: برخی مرجع ضمیر موجود در آیه را به درخواست حضرت نوح^۷ استناد داده‌اند که موجب نقد و مخالفت نظر آنان توسط گروهی از مفسران و رد آراء تفسیری آنها شده است. قرائت غیر مشهور (به شکل ماضی) نه تنها ابهام موجود در آیه را برطرف کرده است بلکه تأییدی بر ناقدان این نوع از وجه قرائی بوده است و منظور این است که، این پسر تو در سابق نیز عمل ناشایست انجام داده است.

بنابراین در این جا نیز گنابادی وارد تبیین معنا و رفع ابهام از هر دو وجه قرائی آیه شده است زیرا قرائت این آیه شریفه با عصمت انبیاء گره خورده است و با تبیین معنای هر دو وجه قرائی گنابادی سعی



در رفع شبهه از آیه شریفه دارد.

رفع ابهام را می‌توان سومین و مهم‌ترین نقش و تاثیر اختلاف قرائات در تفاسیر دانست؛ زمانی‌که صحبت از رفع ابهام در معنای آیه با توجه به اختلاف قرائات می‌باشد ممکن است این سوال بوجود آید که آیه این تاثیر به معنای عدم صحت برخی از قرائات مشهور و توجه به قرائات غیر مشهور و یا غیر متواتر است؟ در پاسخ باید گفت که توجه به قرائات غیر مشهور در رفع ابهام از آیه بیانگر عدم صحت قرائات مشهور و یا متواتر نیست زیرا زمانی میتوان این ادعا را داشت که خود قرائت مشهور به تنهایی موجب تحریف از معنا و مقصود اصلی آیه شود، این در حالی است که قرائت متواتر در این حوزه، تنها نیاز به قرینه‌ای برای تبیین و روشنگری دارد و اختلاف قرائات به گونه‌ای نیست که مخالف و در تضاد با مراد اصلی کلام خداوند باشد. می‌توان به قرائت مشهور نقش مجمل، مطلق داد و به قرائت غیر مشهور نقش مبین و مقید داد.

مجموعه آیات تأثیرگذار در حوزه رفع ابهام در معنای آیات در تفسیر گنابادی شامل ده شاهد مثال می‌باشد؛ مثال‌ها و جدول زیر بیانگر قرائات مورد توجه این حوزه در تفسیر بیان السعادة می‌باشد.^۱

مائده: ۱۱۲	بقره: ۱۰۶	نور: ۶۰	نساء: ۱۶۶	نمل: ۲۴ و ۲۵
توبه: ۱۱۷	محمد: ۴	هود: ۴۶	توبه: ۱۷۷	بقره: ۱۰۲

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش انجام شده و تبیین جایگاه و کارکرد اختلاف قرائات در تفسیر بیان السعادة روشن گردید که

- ۱- دانش قرائات با رویکرد عرفانی مفسر ارتباطی نداشته و مفسر بدون توجه و تعصب نسبت به مباحث عرفانی به تحلیل هریک از قرائات پرداخته است.
- ۲- مفسر دانش قرائات را در تفسیر و فهم آیات مهم می‌دانسته و از منابع مهم تفسیری و احتجاج قرائات هرچند نامی به صراحت نبرده است اما بهره گرفته است.
- ۳- در بحث قرائات خاستگاه وی روشی بوده و بیشترین تأکید ایشان تبیین معانی هریک از وجوه قرائی است، این موضوع در آیاتی که یک وجه قرائی، معنایی نادرست می‌تواند داشته باشد بیشتر مورد

۱. إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (مائده/۱۱۲)؛
لَا كِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ إِنَّكَ بِلِقَائِهِ وَ الْمَلَكُ يَشْهَدُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نساء: ۱۶۶).



توجه مفسر قرار گرفته تا هر دو وجه را با معنایی صحیح مطابق با باورهای کلامی خود تبیین نماید.

۴- در تبیین معنای وجوه قرائی، وی رویکردی ادبی داشته است تا حدیثی بنابراین اصراری بر قرائت مشهور ندارد و اگر قرائت غیر مشهور را از لحاظ معنایی برتر ببیند آن را ترجیح می‌دهد و در ترجیح قرائت بیشتر به هماهنگی قرائت با سیاق توجه دارد.

۵- کارکرد قرائات در تفسیر بیان السعادة در سه قسم قابل ارائه است: الف. گسترش و توسعه معنایی آیه؛ ب. تبیین و روشنگری آیه؛ ج. رفع ابهام از معنای آیه که تفسیر بیان السعادة در هر سه حوزه از این تاثیر بی‌نصیب نمانده است.



فهرست منابع

١. ابن اثیر، مجدالدین، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ اول، دمشق: دارالفکر، ١٣٨٣ق.
٢. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
٣. ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
٤. ابن زنجله، عبدالرحمن بن محمد، حجة القرائات، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٢ق.
٥. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ق.
٦. ابن مجاهد، احمد بن موسی بن عباس، السبعة فی القرائات، قاهره: المعارف، ١٤٤٠ق.
٧. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ چهارم، بیروت: دارالصادر، ٢٠٠٥م.
٨. ابن مهران، ابوبکر احمد بن الحسین، المبسوط فی القرائات العشر، تحقیق سبیع حمزه حاکمی، چاپ دوم، بیروت: دارالقبلة للثقافة الاسلامیة، ١٤٠٨ق.
٩. اسعدی، محمد و همکاران، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٢ش.
١٠. اهوازی، ابوالحسن بن علی، الوجیز، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ٢٠٠٢م.
١١. الباز، محمد بن عباس، مباحث فی علم القرائات، القاهرة: دارالکلمة، ١٤٢٥ق.
١٢. تابنده، سلطان حسین، نابغة علم و عرفان، تهران: حقیقت، ١٣٨٤ش.
١٣. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی قرائات السبع، تصحیح: اوتوپرتسل، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی، ١٣٦٢ش.
١٤. دمیاطی، شهاب الدین، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر، تحقیق: دکتر شعبان محمد اسماعیل، بیروت: عالم الکتب، ١٤٠٧ش.
١٥. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ١٤١٢ق.
١٦. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٣ش.
١٧. رضایی اصفهانی، محمد علی، درسنامه ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ١٣٨٢ش.



۱۸. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
۲۰. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۲۱. زقروق، محمود حمدی، الموسوعة القرآنية المتخصصة، القاهرة: وزارة الاوقاف، ۱۴۲۳ق.
۲۲. سالم محیسن، محمد، المذهب فی القرائات العشر، مصر: مكتبة الكليات الازهرية، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ق.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعة المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طبری، محمد بن جریر جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۶. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفران، بی جا: انتشارات جامعة المصطفی، ۱۳۸۷ش.
۲۷. فارسی، ابوالحسن بن عبدالغفار، الحجة للقراء السبعة، دمشق: دارالامون للتراث، ۱۴۱۳ق.
۲۸. قاسم نژاد، زهرا و مریم جدادی، «سنجش قرائت و معیارهای اختیار آن از نگاه ابن شنبوذ»، دو فصلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، س ۷، ش ۱۲، ۱۳۹۸ق.
۲۹. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادۃ، بیروت: موسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۳۰. مرتضوی، سید ابراهیم و سید محمود طیب حسینی، «دیدگاه زمخشری در مورد قرائات»، فصلنامه مطالعات قرآن، ش ۱۲، ۱۳۹۸ق.
۳۱. معرفت، محمدهادی، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۳۰۵ق.
۳۲. مکی بن ابی طالب، محمد، الكشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها، تحقیق دکتر محی الدین رمضان، چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴ق.
۳۳. همایونی، مسعود، تاریخ سلسله‌های طریقه نعمت اللهیه در ایران، تهران: مکتب عرفان ایران، ۱۳۵۵ق.



Resources

١. Ahwazi, Abul Hassan bin Ali, Al-Awajiz, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, ٢٠٠٢.
٢. Alavi Mehr, Hossein, Introduction to the History of Exegesis and Interpreters, N.p.: Al-Mustafa University Publications, ٢٠٠٨.
٣. Al-Baz, Muhammad bin Abbas, Discussions in the Science of Al-Qira'at, Cairo: Dar al-Kalmah, ١٤٢٥ AH.
٤. Asa'adi, Muhammad et al., Pathology of Interpretive Currents, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, ٢٠١٣.
٥. Damiati, Shahab al-Din, Itihaf Fazula al-Bashar fi al-Qira'at al-Araba'h Ashar, Research: Dr. Sha'ban Muhammad Ismail, Beirut: Alam al-Kutub, ١٤٠٧ AH.
٦. Dani, Abu Amr and Osman bin Sa'eed, al-Taysir fi Qira'at al-Sab', Edited by Otopertsel, Tehran: Jafari Tabrizi Bookshop, ١٩٨٣.
٧. Farsi, Abul Hassan bin Abd al-Ghaffar, Al-Hujjah li al-Qurra al-Saba'h, Damascus: Dar al-Mamoun li al-Turath, ١٤١٢ AH.
٨. Gonabadi, Sultan Muhammad, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah, Beirut: Al-A'lami Press Institute, ١٤٠٨ AH.
٩. Homayouni, Masoud, History of the Nimatullahiyah Chain in Iran, Tehran: Iranian School of Mysticism, ١٣٥٥ AH.
١٠. Ibn Athir, Majd al-Din, Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa Athar, ١st Edition, Damascus: Dar al-Fikr, ١٣٨٣ AH.
١١. Ibn Jazari, Muhammad bin Muhammad, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr, Research: Ali Muhammad al-Daba'a, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
١٢. Ibn Khalawayh, Al-Hujjah fi al-Q'raat al-Sab', Beirut: Al-Risalah Foundation, ١٤٢١ AH.
١٣. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, ٤th Edition, Beirut: Dar al-Sadir, ٢٠٠٥.
١٤. Ibn Mehran, Abu Bakr Ahmad bin Al-Hossein, Al-Mabusut fi al-Qira'at al-Ashr, Research: Sabi Hamzah Hakimi, ٢nd Edition, Beirut: Dar al-Qiblah for Islamic Culture, ١٤٠٨ AH.



۱۵. Ibn Mujahid, Ahmad bin Musa bin Abbas, Al-Saba'ah fi Al-Qira'at, Cairo: Al-Ma'arif, ۱۴۴۰ AH.
۱۶. Ibn Qayyim al-Jawziyyah, Muhammad bin Abi Bakr, Zad al-Ma'ad fi Huda Khair al-Ibad, ۷th Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۲ AH.
۱۷. Ibn Zanjalah, Abd al-Rahman bin Muhammad, Hujjah al-Qira'at, ۱st Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۲ AH.
۱۸. Ma'rifat, Muhammad Hadi, Munjid al-Muqrieen wa Murshid al-Talibin, Cairo: Maktabah Al-Qudsi, ۱۳۰۵ AH.
۱۹. Makki bin Abi Talib, Muhammad, Discovery of the Aspects of the Seven Readings and the Causes and Arguments, Research: Dr. Muhyiddin Ramadan, ۳rd Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۴ AH.
۲۰. Murtazavi, Seyyed Ibrahim and Seyyed Mahmoud Tayyib Hosseini, "Zamakhshari's View on Recitations", Quran Studies Quarterly, No. ۱۲, ۲۰۱۹.
۲۱. Qasimnejad, Zahra and Maryam Jidadi, "Measurement of Recitation and Its Authority Criteria from the Point of View of Ibn Shanbooz", Bi-Annual Scientific Journal of Quran Recitation Studies, Serial ۷, No. ۱۲, ۲۰۱۸.
۲۲. Raghīb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Words), Beirut: Dar al-Qalam, ۱۴۱۲ AH.
۲۳. Rajabi, Mahmoud, The Method of Interpretation of the Quran, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, ۲۰۱۳.
۲۴. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Textbooks and Interpretation Trends of the Quranic Exegesis, Qom: World Center for Islamic Sciences, ۲۰۰۳.
۲۵. Salim Mohaisin, Muhammad, Al-Muhazzab fi al-Qira'at al-Ashr, Egypt: Maktabah al-Kulliyat al-Azhariyyah, ۲nd Edition, ۱۴۱۷ AH.
۲۶. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), Translator: Seyyed Mehdi Haeri Qazvini, Tehran: Amir Kabir, ۲۰۰۱.
۲۷. Tabandeh, Sultan Hossein, Genius of Science and Irfan, Tehran: Haqiqit, ۲۰۰۵.



٢٨. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ١٤١٢ AH.
٢٩. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom: Jama'at al-Madrasin's Publicaitons, ١٤١٧ AH.
٣٠. Zaqruf, Mahmoud Hamdi, Al-Masua'ah al-Quraniyyah al-Mutakhassisah (Functional Dictionary of Quran), Cairo: Ministry of Awqaf, ١٤٢٣ AH.
٣١. Zarkashi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah, al-Burhan fi Ulum al-Quran, Beirut: Dar El Ilm Lilmalayin, ١٤١٠ AH.
٣٢. Zarqani, Muhammad Abdulazim, Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in Quranic Sciences), Translator: Mohsin Armin, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, ٢٠٠٦.
٣٣. Zubeidi, Muhammad bin Muhammad, Taj al-Arus min Javahir al-Qamus, ٣nd Edition, Beirut: Dar al-Fikr, ١٤١٤ AH.